

بررسی تغییرات نیتروژن، فسفر و پتاسیم باقیمانده در خاک در واکنش به تناوبها و نظامهای زراعی متداول و اکولوژیک

احمد زارع فیض آبادی، علیرضا کوچکی و لیلا علیمزادی^{*1}

چکیده

به منظور بررسی تغییرات میزان نیتروژن، فسفر و پتاسیم باقیمانده در خاک، تحت شرایط تناوبها و نظامهای زراعی متداول و اکولوژیک آزمایشی بصورت کرت‌های خرد شده در قالب طرح بلوکهای کامل تصادفی با سه تکرار و در شش سال زراعی انجام گردید. تیمارها شامل سه تناوب زراعی گندم - گندم، گندم - ذرت و چغندر قند - گندم به عنوان فاکتور اصلی و پنج نظام زراعی مختلف شامل نظام متداول با نهاده زیاد، متوسط، کم و نظام تلفیقی (با نهاده متوسط) و نظام ارگانیک (فاقد هر نوع نهاده شیمیایی) به عنوان فاکتور فرعی بودند. نتایج این بررسی نشان داد که در طول شش سال آزمایش میزان نیتروژن باقیمانده در خاک روند نزولی داشت، ولی میزان فسفر و پتاسیم باقیمانده در خاک افزایش یافت. علاوه بر این میزان عناصر غذایی باقیمانده در خاک در کرت‌های تحت کشت نظامهای تلفیقی و ارگانیک در سطح بالاتری نسبت به نظامهای متداول قرار داشتند. تناوبهای زراعی مختلف نیز بر باقیمانده عناصر غذایی موجود در خاک تأثیر معنی داری داشت ($P < 0.05$) بطوریکه در تناوب گندم-ذرت، فسفر و پتاسیم باقیمانده خاک کمترین مقدار را به خود اختصاص داد. کرت‌های تحت کشت نظام های زراعی مختلف بر میزان هدایت الکتریکی عصاره اشباع خاک نیز تأثیر معنی داری داشتند ($P < 0.05$). بطوریکه هدایت الکتریکی عصاره اشباع خاک در نظام تلفیقی بیشترین مقدار را دارا بود و نظامهای پرنهاده، متوسط نهاده و کم نهاده در مرتبه بعدی قرار داشتند و نظام ارگانیک در پائین ترین سطح قرار داشت.

واژه های کلیدی: تناوب، نظام زراعی، ارگانیک، فسفر، پتاسیم، نیتروژن.

مقدمه

در سالهای اخیر ضرورت استفاده از ارقام پر محصول، نیاز به نهاده های شیمیایی جهت تقویت خاک را افزایش داده است، بطوریکه امروزه تولیدات کشاورزی بطور فزاینده ای به مصرف انرژی وابسته شده است. این انرژی برای همیشه و بطور نامحدود تأمین پذیر نخواهد بود و حتی در مواردی در سطح فعلی نیز میسر نمی باشد بعلاوه افزایش قیمت نهاده های مصرفی، کاربرد آنها از لحاظ اقتصادی نیز مقرون به صرفه نخواهد بود (Zareh و Fizabadi و همکاران، 2002). در بسیاری از موارد محصولات زراعی نسبت به افزایش سطح کودها واکنش نشان نمی دهند. از طرفی مصرف بی رویه نهاده های کشاورزی و بخصوص مواد شیمیایی نظیر انواع کودهای

شیمیایی و تأثیرات مخرب زیست محیطی آنها از جمله مشکلاتی هستند که آینده تولید مواد غذایی را در آینده با مشکلات و مسائل زیادی روبرو می کنند (Zareh و Fizabadi و همکاران، 2002).

عوامل مختلفی بر ذخیره سازی و فراهمی عناصر غذایی موجود در خاک مؤثر می باشد. از جمله این عوامل، می توان به اثرات متقابل بین گیاه زراعی و عواملی نظیر غلظت و نوع عناصر غذایی، بافت و ساختمان خاک، نوع و میزان کودهای مصرفی، ماهیت میکروفلور خاک، دما و رطوبت خاک اشاره کرد (Frederick و Cambrato، 1994). یکی از مهمترین عواملی که بر میزان عناصر غذایی موجود در خاک تأثیر دارد، نوع و میزان کود مصرفی می باشد. تحقیقات (گوهری و همکاران، 1375، محمد زاده و میوه چی، 1377، Pimental، 1993، Sharif، 1974 و همکاران 1974)

1- به ترتیب عضو هیات علمی مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی خراسان، استاد دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد،

دانشجوی سابق کارشناسی ارشد دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد

*- وصول: 83/2/13 و تصویب: 84/10/24

نتایج حاصله توسط Gosdin و همکاران (1994) حاکی از آن است که تناوب زراعی و نوع محصول، میزان مواد آلی لایه سطحی خاک را تحت تأثیر قرار می دهد و کشت گیاهان وجینی مخصوصاً پنبه، مواد آلی خاک را کاهش می دهد در حالیکه در تناوبهای شامل غلات و بقولات میزان مواد آلی خاک ثابت بود حتی گاهی افزایش می یابد. اما Echeverria و همکاران (1992) گزارش نمودند که در کاشت گندم بعد از گندم یا سویا تفاوت معنی داری در میزان نیتروژن مصرفی موجود در خاک مشاهده نگردید. Van Fassen و Lebbink (1994) در یک دوره تناوبی 4 ساله شامل گندم زمستانه - چغندرقد - جو بهاره و سیب زمینی مقدار نیتروژن از دست رفته خاک را بترتیب در خاکهایی با سطح کم و زیاد مواد آلی کمتر از 300 و 170 کیلوگرم در هکتار گزارش نمودند. آنها بیان داشتند این اتلاف زیاد نیتروژن می تواند به علت بارشهای سنگین و دی نیتریفیکاسیون باشد.

مواد و روشها

به منظور بررسی تغییر میزان عناصر نیتروژن، فسفر و پتاسیم باقیمانده در خاک تحت شرایط تناوبها و نظامهای زراعی متداول و اکولوژیک، از یک طرح آماری کرتهای خرد شده در قالب بلوکهای کامل تصادفی در سه تکرار و طی 6 سال زراعی (81-1375) استفاده شد. در این طرح سه تناوب زراعی گندم - گندم، ذرت - گندم و چغندرقد - گندم به عنوان فاکتور اصلی (جدول 1) پنج نظام زراعی مختلف شامل نظام متداول با نهاده زیاد، متوسط، کم و نظام تلفیقی (با نهاده حد متوسط) و نظام ارگانیک (فاقد هر نوع نهاده شیمیایی) به عنوان فاکتور فرعی در نظر گرفته شد. کلیه عملیات زراعی و نهاده های مصرفی در نظامهای زراعی پر نهاده و کم نهاده بترتیب حداکثر و حداقل عملیات زراعی و نهاده مصرفی که زارعین برای هر محصول استفاده می کنند و برای نظام زراعی متوسط و تلفیقی، میانگین این دو نظام بکار گرفته شد. در نظام ارگانیک کلیه عملیات زراعی توسط نیروی انسانی و تنها نهاده مصرفی، کود حیوانی و بذر برای محصولات مختلف بود (جدول 2). در کلیه تیمارها قبل از کاشت و بعد از برداشت، نمونه های مرکب از عمق 0-30 سانتیمتری خاک جهت اندازه گیری هدایت الکتریکی و مقادیر عناصر نیتروژن، فسفر و پتاسیم باقیمانده در خاک، و از عمق 30-60 سانتیمتری خاک جهت اندازه گیری هدایت الکتریکی جمع آوری شد و تجزیه های لازم بر طبق متدهای استاندارد شیمیایی انجام شد.

نشان داده است که انواع کودها اعم از دامی و یا شیمیایی بر میزان عناصر موجود در خاک و باقیمانده عناصر در انتهای فصل رشد تأثیر مستقیمی دارد. Sharif و همکاران (1974) نشان دادند که استفاده از کودهای دامی باعث افزایش میزان عناصر موجود در خاک می شوند. گوهری و همکاران، (1375) گزارش نمودند که با افزایش کود دامی تا 130 تن در هکتار، میزان فسفر و پتاسیم قابل جذب و میزان کربن آلی در اعماق 0-30 و 30-60 سانتیمتری افزایش یافت. Bauer و Black (1994) نیز بیان نمودند که مواد آلی خاک ضمن اینکه منبع اصلی و تأمین کننده نیتروژن قابل دسترس هستند حاوی مقادیر زیادی فسفر و عناصری چون گوگرد نیز می باشند. استفاده از کود دامی همراه با کود شیمیایی همچنین موجب افزایش راندمان مصرف کودهای شیمیایی می شود. Sharif و همکاران (1974) گزارش نمودند که میزان فسفر قابل استفاده در کودهای محتوی فسفر، بعد از مخلوط کردن آنها با کود حیوانی بطور قابل ملاحظه ای نسبت به کاربرد این کودها بتنهایی افزایش می یابد. جعفری و ملکوتی (1374) نشان دادند که تأثیر مواد آلی بویژه کود حیوانی در آزادسازی فسفر غیر قابل استفاده بسیار مهم بوده و نقش آن حتی در خاکهایی که فسفر قابل استفاده پایین تر از 5 میلی گرم در کیلوگرم دارند چشمگیر می باشد. با این وجود تمام ذخایر غذایی موجود در کود های حیوانی بلافاصله قابل دسترس برای جذب توسط گیاه نیست. Pimental (1993) گزارش نموده است که از کل نیتروژن موجود در کودهای حیوانی 50 درصد بصورت نیتروژن آلی و 50 درصد بصورت آمونیوم می باشد و که در سال اول مصرف، 40 درصد نیتروژن آلی (تبدیل به نیتروژن معدنی) و 80 درصد آمونیوم موجود در کود قابل جذب می باشد و اگر هر سال کود دامی در مزرعه مصرف شود، سالانه 75 درصد کل نیتروژن قابل استفاده خواهد بود.

علاوه بر کودهای دامی، میزان و تنوع در مصرف کودهای شیمیایی نیز بر میزان عناصر موجود در خاک و باقیمانده عناصر غذایی تأثیرگذار است (Varvel و Peterson, Echeverria 1990 و همکاران 1992، Gosdin و همکاران، 1994). بدیهی است که با مصرف بیشتر کودهای شیمیایی، مقداری از عناصر غذایی بکار رفته در خاک باقی می ماند در عین حال قسمتی از این عناصر غذایی پس از مدتی به طریق مختلف از دسترس گیاه خارج می شوند. تناوب زراعی نیز خود بر فراهمی عناصر غذایی خاک تأثیر گذار است. از جمله اثرات مثبت تناوب در نظامهای زراعی مختلف کاهش فرسایش خاک، بهبود ساختمان خاک، افزایش حاصلخیزی و بهره برداری بهتر از منابع اشاره کرد.

جدول 1 - برنامه تناوب زراعی در طول آزمایش

سال	سال زراعی	نوع محصول	نوع محصول
اول	۷۵-۷۶	چغندر قند	ذرت
دوم	۷۶-۷۷	گندم	گندم
سوم	۷۷-۷۸	چغندر قند	ذرت
چهارم	۷۸-۷۹	گندم	گندم
پنجم	۷۹-۸۰	چغندر قند	گندم
ششم	۸۰-۸۱	گندم	گندم

جدول 2 - میزان نهاده های مصرفی و عملیات زراعی در نظامهای زراعی محصولات مختلف

نهاده مصرفی	نظامهای زراعی			
	پر نهاده	متوسط نهاده	کم نهاده	تلفیقی
عملیات تهیه زمین	2	1	-	1
شخم (نوبت)	3	3	3	3
دیسک (نوبت)	3	2	2	2
لولر (نوبت)	3	2	2	2
میزان بذر	500	450	400	450
W ^a (دانه در متر مربع)	500	450	400	450
S (کیلوگرم در هکتار)	12	9	6	9
C (کیلوگرم در هکتار)	40	35	30	35
N-P2O5-K2O (کیلوگرم در هکتار)+ کود دامی (تن در هکتار)	150-105-100	200-150-100	170-100-50	100-70-50
W	150-105-100	200-150-100	170-100-50	100-70-50
S	150-50-25+15	100-50-0	150-100-50	150-50-25+15
C	170-50-25+15	120-50-0	170-100-50	170-50-25+15

W (گندم)، C (ذرت)، S (چغندر قند)

نتایج و بحث

در خاک باقی خواهد ماند در حالیکه پس از برداشت محصول قسمت عمده نیتروژن معدنی موجود در خاک پس از برداشت گیاه زراعی، ناشی از معدنی شدن نیتروژن آلی خاک خواهد بود. Varvel و Peterson (1990) گزارش نمودند که در کرت‌های تحت کشت ذرت و سورگوم دانه ای چنانچه نیتروژن مصرفی بیش از نیتروژن مورد نیاز باشد مازاد آن بصورت مختلف از سیستم خارج می‌شود.

میزان فسفر باقیمانده خاک در طول 6 سال آزمایش افزایش یافت (جدول 3). بنظر می‌رسد که مصرف سالانه کود فسفر باعث افزایش ذخایر فسفر قابل استفاده در خاک شده است. Negi و همکاران (1992) بیان نمودند که کارایی استفاده از کود فسفات در گیاهان زراعی بندرت از 15 درصد فراتر می‌رود و باقیمانده آن در خاک باقی می‌ماند و در دسترس گیاه بعدی قرار می‌گیرد. Zoum و Doxtader (1992) نیز بیان نمودند که میزان فراهمی عنصر فسفر در خاک، بستگی به مقدار فسفر،

طی سالهای زراعی متوالی آزمایش، میزان عناصر غذایی موجود در لایه سطحی خاک (30-0 سانتیمتری) ثابت نبوده و دستخوش تغییر گردید (جدول 3). بررسی روند تغییرات میزان نیتروژن خاک نشان می‌دهد، با اینکه در نظامهای زراعی متداول هر سال نیتروژن مصرف گردید، اما میزان نیتروژن باقیمانده در کرت‌های آزمایشی تقریباً ثابت مانده و چندان تحت تأثیر قرار نگرفت (جدول 3). بنظر می‌رسد که اتلاف نیتروژن از طریق آبشویی و دنیتریفیکاسیون مرتبط باشد. Van Fassen و Lebbink (1994) نشان دادند که میزان نیتروژن موجود در خاک، طی سالیان متمادی کاهش می‌یابد و این مسئله با دنیتریفیکاسیون مرتبط است. Zoum و Doxtader (1992) بیان نمودند که بخش عمده ای از فسفر و نیتروژن خاک توسط فرآیندهای حد واسط بیولوژیکی همچون معدنی شدن و آلی شدن (غیر متحرک شدن) کنترل می‌شود. Chaney (1990) نیز بیان نمود که بعد از برداشت گیاه فقط حدود 1 درصد از کود نیتروژن مصرفی بشکل معدنی

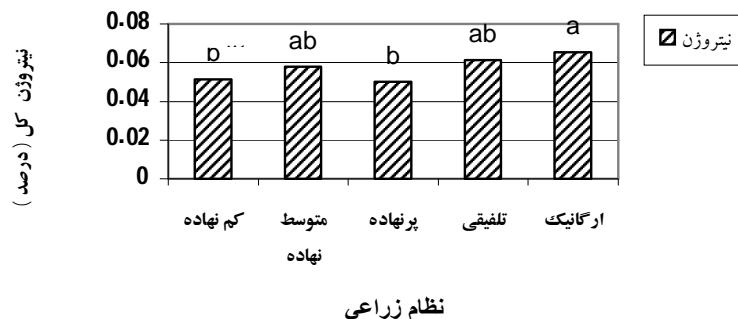
موجود در کرت‌های تحت کشت نظام پر نهاده، توسط گیاه زراعی (تراکم گیاه زراعی در نظام پر نهاده از بقیه نظامها بیشتر بود) حذف شده و یا اینکه در اثر آبشویی از دسترس گیاه خارج شده است. اگر نیتروژن موجود توسط گیاه زراعی مورد استفاده قرار گرفته باشد، بنابراین احتمالاً میزان مصرف این کود نیتروژن مصرفی در نظام پر نهاده با توجه به تراکم بالای گیاه زراعی در حد مطلوب گیاه زراعی بوده است. Chaney (1990) اظهار داشت که با افزایش مصرف بیش از حد بهینه کود نیتروژن، میزان نیترات باقیمانده در خاک فقط در زمانی که مقدار مصرف از حد بهینه فراتر رود، افزایش می‌یابد. وی اظهار داشت که رابطه بین میزان مصرف نیتروژن و نیترات باقیمانده در خاک یک رابطه خطی نبوده بلکه بصورت سهمی است. در حقیقت این روند، حاکی از آن است که چنانچه نیتروژن در حد اپتیمم، برای گیاه مصرف شود، محتوی نیترات خاک تفاوت معنی داری با شرایط عدم مصرف نیتروژن نخواهد داشت. Cambrato و Frederick (1994) نیز بیان نمودند که با افزایش مقدار مصرف نیتروژن از یک میزان مشخص در کرت‌های تحت کشت ذرت، ذخیره نیتروژن برای گیاه بعدی افزایش می‌یابد.

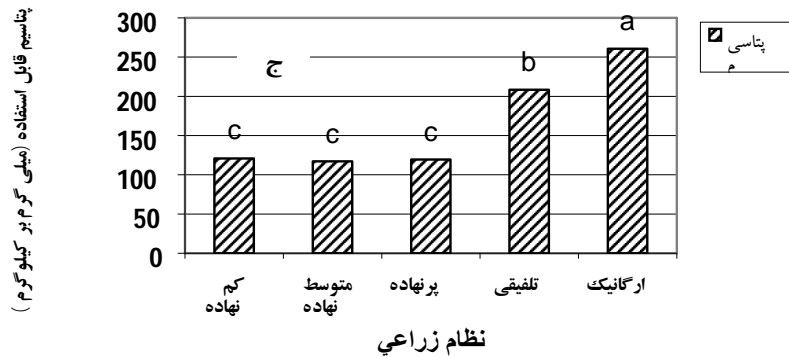
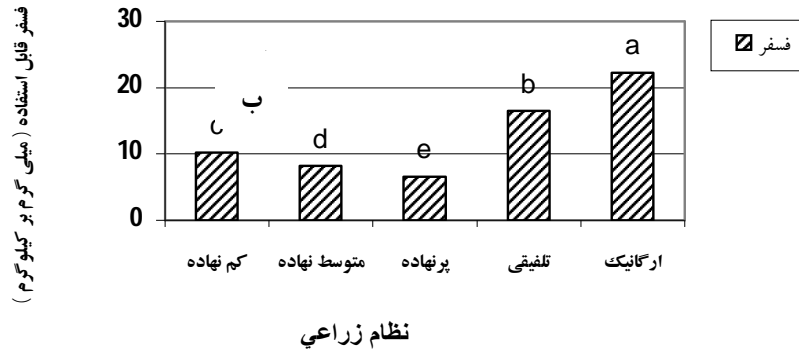
ذخیره میزان پویایی این عنصر و واکنش های بیوشیمیایی تغییر خواهد کرد. با اینکه در طول 6 سال آزمایش مقدار پتاسیم باقیمانده در خاک تا حدودی نوسان دارد، اما روند کلی آن صعودی است (جدول 3). بای بوردی و همکاران (1379) عنوان نمودند که میزان تلفات پتاسیم در خاک در مقایسه با کودهای ازته جزئی بوده (8-1 کیلوگرم در هکتار در سال) و به همین دلیل چنانچه میزان پتاسیم خاک به حد مطلوب رسانده شود، مصرف سالانه آن ضروری نمی‌باشد. میزان نیتروژن باقیمانده در نظامهای تلفیقی و ارگانیک از نظامهای دیگر زراعی بیشتر بود (نمودار 1 - الف). بنظر می‌رسد این موضوع با مصرف کود های دامی در این نظامها مرتبط باشد. Bauer و Black (1994) بیان نمودند که مواد آلی، منبع اصلی تأمین کننده نیتروژن قابل دسترس خاک می‌باشند. مقایسه میزان نیتروژن باقیمانده در نظام زراعی پر نهاده و کم نهاده نشان می‌دهد که میزان نیتروژن در این دو نظام در پائین ترین سطح قرار دارد. با اینکه میزان کود نیتروژن مصرفی در نظام پر نهاده حدوداً 3 برابر نظام کم نهاده بود، اما میزان نیتروژن باقیمانده در خاک در کرت‌های تحت کشت این دو نظام، اختلاف معنی داری نداشت. بنظر می‌رسد که قسمت عمده نیتروژن

جدول 3- مقادیر نیتروژن، فسفر، پتاسیم باقیمانده و هدایت الکتریکی خاک در طول 6 سال آزمایش

سال	K ⁺ mgkg ⁻¹		P ⁺ mgkg ⁻¹		N %		EC	
	1	2	3	4	5	6	0-30 cm	30-60 cm
1	134.9	d	6.502	d	0.0551	b	1.355	c
2	183.5	a	14.48	b	0.0565	b	1.577	b
3	173.9	ab	12.37	c	0.0558	b	1.410	c
4	153.8	c	12.55	c	0.0771	a	1.158	d
5	159.6	bc	13.40	bc	0.0527	b	1.894	a
6	186.3	a	17.1	a	0.0461	b	1.262	cd

* فسفر و پتاسیم به شکل قابل استفاده می‌باشند.





نمودار 1 - تأثیر نظامهای مختلف زراعی بر مقادیر نیتروژن (الف)، فسفر (ب) و پتاسیم (ج) باقیمانده در خاک (میانگین 6 سال)

Varvel و Peterson (1990) بیان نمودند که جهت حصول حداکثر عملکرد، فقط بخشی از کود نیتروژن

گیری نمودند که اختلاط کودهای شیمیایی و دامی، نتیجه بهتری را از لحاظ فراهمی عناصر غذایی در پی دارد.

نتایج تجزیه خاک مربوط به نظامهای زراعی مختلف نشان می دهد که میزان پتاسیم باقیمانده در نظامهای زراعی متداول با هم اختلاف معنی داری ندارد، اما بین نظامهای اکولوژیک و متداول اختلاف معنی داری مشاهده می گردد (نمودار 1 - ج). با وجودیکه میزان مصرف پتاسیم در نظام پر نهاده بیش از نظام کم نهاده بود ولی پتاسیم باقیمانده خاک در این دو نظام تفاوتی را نشان نمی دهد (پر نهاده $120/8 \text{ mgkg}^{-1}$ و کم نهاده $119/5$). بنظر می رسد پتاسیم مصرف شده در نظام پر نهاده جهت حصول عملکرد بیشتر، مورد استفاده گیاه قرار گرفته است. گوهری و همکاران (1375) نیز بیان داشتند که کودهای دامی، غنی از پتاسیم بوده و میزان پتاسیم قابل جذب در خاک را افزایش می دهند.

بررسی میزان نیتروژن باقیمانده در کرت‌های تحت تناوبهای زراعی مختلف نشان می دهد، علیرغم اینکه میزان نیتروژن مصرفی در کرت‌های تحت کشت ذرت بیش از کرت‌های تحت کشت چغندر قند و گندم بود، ولی نیتروژن باقیمانده در کرت‌های تحت تناوبهای زراعی متفاوت، اختلاف معنی داری نداشت (جدول 4). Varvel و Peterson (1990) نیز بیان نمودند که در سیستم های تناوبی میزان نیتروژن برداشت شده در محصولات زراعی گندم و سورگوم دانه ای در تمامی سطوح نیتروژن حدود 20-30 درصد است. آنها اظهار داشتند که سیستم های تناوبی از لحاظ مصرف کود نیتروژن، تاثیرات کمی بر باقیمانده نیتروژن نیتراسته موجود در خاک دارد. Echeverria و همکاران (1992) نیز گزارش نمودند که در تناوب گندم - گندم و گندم - سویا تفاوت معنی داری در میزان نیتروژن مصرفی موجود در خاک مشاهده نشد.

در ارتباط با فسفر علیرغم اینکه میزان مصرف آن در کرت‌های تحت کشت ذرت و چغندر قند (150 کیلوگرم در هکتار) 1/4 برابر کرت‌های تحت کشت گندم بود، اما میزان فسفر باقیمانده در کرت‌های تحت تناوب ذرت - گندم کمترین مقدار بود (جدول 4)، و میزان فسفر موجود در کرت‌های تحت کشت مداوم گندم در بالاترین سطح قرار داشت. Negi و همکاران (1992) نیز گزارش نمودند که در کرت‌های تحت کشت گندم، بخش زیادی از فسفر مصرفی برای گیاه زراعی بعدی باقی ماند. میزان باقیمانده پتاسیم در کرت‌های تحت تناوبهای زراعی متفاوت، اختلاف معنی داری نداشت (جدول 4). اما میزان عنصر پتاسیم باقیمانده در کرت‌های تحت تناوب چغندر قند و ذرت کمتر بود که بنظر می رسد این نتیجه با قابلیت جذب بالای پتاسیم این

مصرفی مورد نیاز بوده و مابقی آن بصورت تلفات از سیستم خارج می شود. بنظر آنها عامل اتلاف نیتروژن در سیستم های زراعی، آلی شدن این عنصر می تواند باشد.

اثر نظامهای زراعی بر میزان فسفر باقیمانده خاک معنی داری بود ($P < 0.05$)، بطوریکه نظام ارگانیک و نظام تلفیقی به ترتیب کمترین و بیشترین میزان فسفر را داشتند و نظامهای پر نهاده، متوسط نهاده و کم نهاده از نظر فسفر باقیمانده ما بین ایندو قرار گرفتند (نمودار 1 - ب). بنظر می رسد مصرف کود دامی باعث افزایش میزان فسفر قابل استفاده خاک شده باشد. گوهری و همکاران (1375) نشان دادند که استفاده از کودهای دامی تا 130 تن در هکتار موجب افزایش میزان فسفر قابل استفاده خاک می گردد. Bauer و Black (1994) نیز نشان دادند که مواد آلی 65 درصد کل فسفر موجود در خاک را تأمین می کنند. علاوه بر این، با اینکه میزان مصرف فسفر در نظام پر نهاده 1/5 برابر متوسط نهاده و 3 برابر کم نهاده بود، اما این نسبت بین مقدار باقیمانده این عنصر برقرار نبود. از اینرو بنظر می رسد گیاهان زراعی در کرت‌های تحت کشت نظام پر نهاده، فسفر خاک را تا حد زیادی مصرف نموده اند و یا فسفر اضافی در خاک تثبیت شده است. علاوه بر این با اینکه نظام پر نهاده بیشترین میزان فسفر را دریافت نمود و در نظام ارگانیک تنها از کود دامی استفاده گردید، میزان فسفر باقیمانده خاک در نظام ارگانیک 2/2 برابر نظام پر نهاده بود (نمودار 1 - ب). بنظر می رسد بخشی از این احتمالا مربوط به جذب بیشتر فسفر توسط گیاه در نظام پر نهاده بوده (تراکم بیشتر و تولید بالاتر) و بخش دیگر مربوط به تاثیر کودهای دامی بر افزایش قابلیت جذب فسفر در نظام ارگانیک می باشد. محمد زاده و میوه چی (1377) نیز گزارش نمودند، مصرف کود حیوانی، نسبت به مصرف کود سوپر فسفات تنها میزان فسفر قابل جذب خاک را بالاتر می برد. همچنین میزان فسفر باقیمانده خاک در نظام ارگانیک 1/4 برابر نظام تلفیقی بود (نمودار 1 - ب). با وجودیکه انتظار می رفت میزان فسفر باقیمانده خاک، تابع میزان فسفر مصرف شده در هر نظام باشد ولی احتمالا جذب بیشتر فسفر توسط گیاه در نظام تلفیقی بدلیل اختلاط کودهای دامی و شیمیایی این موضوع را سبب شده است. Sharif و همکاران (1974) نیز گزارش نمودند که میزان فسفر قابل استفاده موجود در کودهای محتوی فسفر افزوده شده به خاک، بعد از مخلوط کردن آنها با کود حیوانی بطور قابل ملاحظه ای نسبت به کاربرد این کودها بتهنایی افزایش می یابد. آنها یادآور شدند که مخلوط کردن سوپر فسفات با کود حیوانی باعث افزایش قابلیت استفاده فسفر موجود در سوپر فسفات می گردد و بنابراین نتیجه

دو گیاه زراعی مرتبط باشد که در نتیجه باقیمانده این عنصر را در خاک کاهش داده است.

جدول 4 - مقایسه اثر متقابل نظامها و تناوبهای زراعی مختلف بر مقادیر نیتروژن، فسفر و پتاسیم باقیمانده در خاک (میانگین 6 سال)

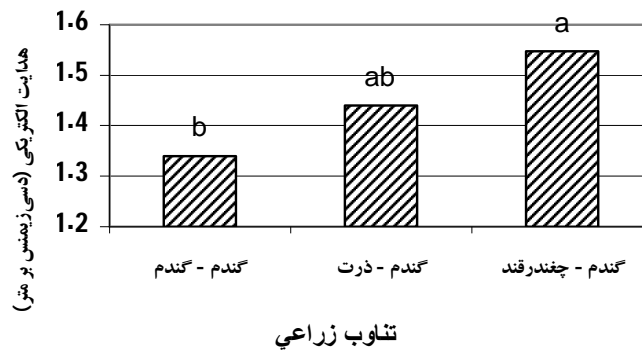
عنصر غذایی	تناوب	میانگین	نظام ها					
			ارگانیک	تلفیقی	کم نهاده	متوسط نهاده	پر نهاده	پ
	گندم - گندم	0.057a	0.0668	0.606	0.0517	0.053	0.0540	
N	گندم - ذرت	0.054a	0.0630	b	0.0614	d	0.0488	
	گندم - چغندر قند	0.06a	0.0659	b	0.0617	a	0.0516	
	گندم - گندم	13.78a	24.23	c	16.17	ef	12.18	
P	گندم - ذرت	11.34b	19.73	c	15.59	fg	8.256	
	گندم - چغندر قند	13.07a	22.91	bc	17.67	efg	10.07	
	گندم - گندم	170a	278.5	c	202.1	de	134.4	
K	گندم - ذرت	159.2a	251.5	c	207.8	e	111.7	
	گندم - چغندر قند	166.7a	252.1	c	215.1	de	116.4	

اینکه میزان هدایت الکتریکی در خاکهای تحت این تناوبها بیشتر بود، اما اختلاف بین این تناوبها معنی دار نگردید. میزان هدایت الکتریکی خاک در نظامهای زراعی متداول پر نهاده، متوسط نهاده و کم نهاده اختلاف معنی داری با یکدیگر ندارند. با توجه به اینکه میزان کودهای مصرفی در این نظامها بسیار متفاوت بود، بنظر میرسد افزایش کودهای شیمیایی به تنهایی در غلظت نمکهای محلول موجود در خاک تأثیر چندانی نداشته است، ولی در نظام تلفیقی میزان هدایت الکتریکی خاک کمی بیشتر بود. بنظر می رسد که مصرف توأم کودهای شیمیایی و دامی باعث، حلالیت بیشتر عناصر غذایی خاک شده و در نتیجه افزایش غلظت آنیونها و کاتیونها موجود در محلول خاک هدایت الکتریکی اندکی افزایش یافته است. با این وجود هدایت الکتریکی خاک در نظام ارگانیک در پائین ترین سطح قرار داشت.

نتیجه گیری

نتایج بدست آمده نشان می دهد، در نظام ارگانیک با مصرف کود دامی، میزان باقیمانده عناصر نیتروژن، فسفر و پتاسیم خاک در بالاترین سطح قرار دارد. این در واقع گامی است بسوی بهره برداری دراز مدت و اصولی از نهاده ها و ممانعت از تخریب و فرسایش سرمایه هایی نظیر خاک و آب که مجموعه این اهداف ما را به سوی کشاورزی پایدار رهنمون می سازد.

در جدول 3 روند تغییرات هدایت الکتریکی عصاره اشباع خاک در دو عمق 0-30 و 30-60 سانتی متر در طول 6 سال آزمایش آورده شده است. مقایسه مقادیر هدایت الکتریکی در دو عمق نشان می دهد که در نظامهای پر نهاده و متوسط نهاده میزان هدایت الکتریکی در لایه عمقی بیش از لایه سطحی است و در نظامهای ارگانیک و کم نهاده میزان هدایت الکتریکی در لایه سطحی بیش از لایه عمقی می باشد. بنظر می رسد نوع عملیات خاک ورزی در این مورد موثر بوده است. در نظامهای پر نهاده و تا حدودی کم نهاده عملیات خاک ورزی به گونه ای است که عناصر و نمکهای موجود در لایه سطحی خاک بخوبی با لایه های پائین تر خاک مخلوط شده و علاوه بر آن آبشویی نیز به نفوذ بیشتر نمکها به لایه های عمقی خاک کمک می نماید، اما در نظامهای ارگانیک و کم نهاده عملیات خاک ورزی سطحی انجام گرفته و بنظر می رسد بهمین دلیل نمکهای محلول به عمق پائین تر از 30 سانتی متر نفوذ نکردند. علاوه بر این هدایت الکتریکی خاک در عمق 0-30 سانتی متر در تناوب چغندر قند - گندم بیش از تناوب ذرت - گندم بود، در حالیکه کرتهای تحت کشت مداوم گندم کمترین مقدار را بخود اختصاص دادند (نمودار 2). با توجه به اینکه میزان مصرف عناصر غذایی در کرتهای تحت تناوب چغندر قند - گندم و ذرت - گندم بالاتر از تناوبهای دیگر بود، بنظر می رسد همین امر باعث افزایش غلظت نمکهای محلول و در نتیجه افزایش هدایت الکتریکی در خاکهای تحت تناوبهای چغندر قند - گندم و ذرت - گندم شده باشد. در عمق 30-60 سانتی متر نیز با



نمودار (2) - تأثیر تناوبهای مختلف زراعی بر میزان هدایت الکتریکی خاک (عمق 0 - 30 سانتی متری)

فهرست منابع:

- 1- بای بوردی، م.، م. ج. ملکوتی، امیر مکرری و م. نفیسی. 1379. تولید و مصرف بهینه کود شیمیایی در راستای اهداف کشاورزی پایدار. سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی. 282 ص.
- 2- گوهری، ج.، ق. توحیدلو، د. ف. طالقانی و و. یوسف آبادی. 1375. بررسی اثرات متقابل کود دامی و ازته بر عملکرد محصول چغندر قند. چهارمین کنگره علوم زراعت و اصلاح نباتات.
- 3- محمدزاده، ع. و ح. میوه چی لنگرودی. 1377. روش مصرف توأم کود حیوانی و فسفره در خاک برای کاهش مصرف کودهای فسفره در خاکهای استان بوشهر. نشریه علمی پژوهشی موسسه تحقیقات خاک و آب. جلد 12. شماره 1. صفحه 20-27.
- 4- ملکوتی، م. ج. 1378. کشاورزی پایدار و افزایش عملکرد با بهینه سازی مصرف کود در ایران. سازمان تحقیقات و آموزش کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی. 460 ص.
- 5- Bauer, A., and L. Black. 1994. Quantification of the effect of soil organic matter content on soil productivity. *Soil Sci. Soc. Am. J.* 58: 185-193.
- 6- Camberato, J. J., and J. R. Frederick. 1994. Residual maize fertilizer nitrogen availability to wheat. *Agron. J.* 86: 962- 967.
- 7- Chaney, K. 1990. Effect of nitrogen fertilizer rate on soil nitrate content after harvesting wheat. *J. Agric. Sci. Camb.* 114: 171-176.
- 8- Echeverria, H. E., C. A. Navarro, and F. H. Andrade. 1992. Nitrogen nutrition of wheat following different crops. *J. Agric. Sci. Camb.* 118: 157- 163.
- 9- Gosdin, G. W., M. Stelley, and W. E. Adams. 1949. The organic matter and nitrogen content and carbon-nitrogen ratio of cecil soil as influenced by different cropping systems on classes I, II and IV land. *Soil Sci. Soc. Amer. Pro.* 14:203-209.
- 10- Negi, S. C., K. Singh, and R. C. Thakur. 1992. Economics of phosphorus and farmyard manure application in wheat-maize sequence. *Indian. J. Agron.* 37: 30-33.

- 11- Pimental, D., 1993. Economics and energies of organic and conventional farming. *J. Agric. Environ. Ethics*. 6: 53-60.
- 12- Sharif, M. F. Chaudhrg, and A. G. Lorho. 1974. Suppression of super phosphate-phosphorus fixation by farmyard manure. Part 2. *Soil Sci. Plant Nutr.* 20(4): 395-401.
- 13- Van Faassen, H. G., and G. Lebbink. 1994. Organic matter and nitrogen dynamics in conventional vs integrated arable farming. *Agric. Ecosystems Environ.* 51: 209- 226.
- 14- Varvel, G. E. and T. A. Peterson. 1990. Residual soil nitrogen as affected by continuous, two years and four years crop rotation systems. *Agron. J.* 82: 954-962.
- 15- Zareh Fizabadi, A., Koocheki, A. and Nassiri, M. 2000. Energy efficiency of conventional and ecological cropping systems in different rotations with wheat. In : T. Alfoldi, W. Lockeretz and U. Niggli (Editors), *The world Grows Organic. Proceedings of the 13th International IFOAM Scientific Conference, Basel, Switzerland* , 382-385
- 16- Zareh Fizabadi, A., Koocheki, A. and Nassiri, M. 2002. Evaluation of dynamics of major macronutrients in different conventional and ecological cropping systems .In:R. Thompson(Editor),*Cultivating Communities. Proceedings of the 14th International IFOAM Scientific Conference, Victoria, Canada* , 51.
- 17- Zoum, X., and K. G. Doxtader. 1992. A new method for estimating gross phosphorus mineralization and immobilization rate in soil. *Plant and Soil.* 147: 243-250